

## ((و دوشزه))

منی ۱۳:۴۵

ملکوت آسمان ها مانتد مثل  
ده دوشیزه خواهد بود که به  
چشون عروسی دعوت شده اند



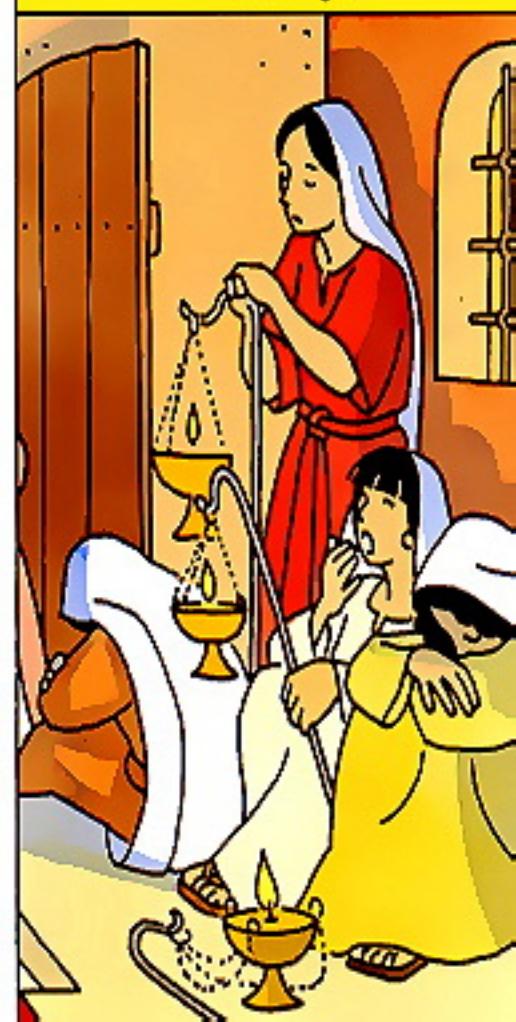
چراغ های ما خاموش شدند اما دیگر روغن نداریم



تیمه شب بود ...



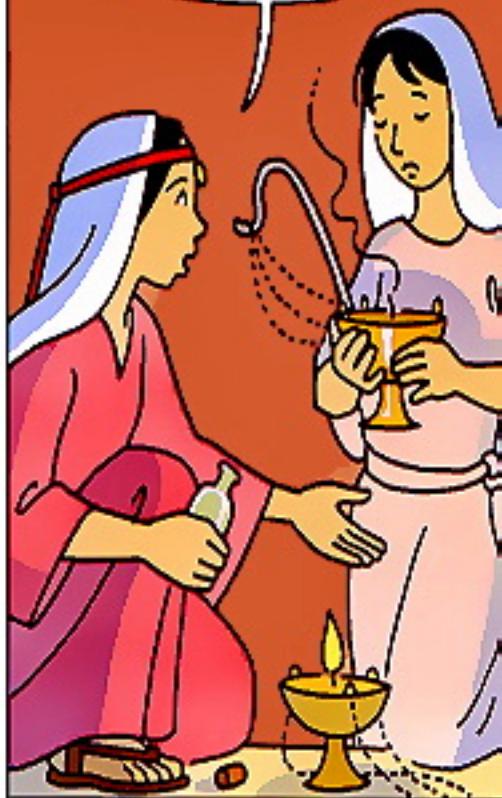
چون داماد دید کرد به  
خواب فرو رقتند



چون آنها دوان دوان رفتند، داماد آمد



این روغن برای ما و شما کافی  
نخواهد بود، بهتر است پروید  
و پرای خود روغن تهیه کنید



وقتی آن پنج نفر دیگر با روغن بازگشتهند،  
درها را بسته دیدند



آن پنج دختر که روغن کافی داشتند  
و در آنجا حاضر بودند، همراه با داماد  
وارد تالار شدند و درها بسته شد

